

■ سه شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵ ■ شماره ۲۲۱۰۴ ■ ۱۳ صفر ۱۴۴۸ ■ ۲۸ جولای ۲۰۲۶

اذان ظهر:	۱۱:۳۸
غروب آفتاب:	۱۸:۴۱
اذان مغرب:	۱۹:۰۱
نیمه شب:	۲۲:۴۸
اذان صبح فردا:	۰۲:۵۶
طلوع آفتاب فردا:	۰۴:۳۶

تهران

اذان ظهر:	۱۲:۱۱
غروب آفتاب:	۱۹:۱۲
اذان مغرب:	۱۹:۳۲
نیمه شب:	۲۳:۲۱
اذان صبح فردا:	۰۳:۳۱
طلوع آفتاب فردا:	۰۵:۱۰

امام علی علیه السلام می فرماید:

مَن اسْتَصَحَّ اللَّهَ حَازَ التَّوْفِيقَ؛

هر که خدا را مرشد و خیرخواه خود بگیرد، به توفیق دست یابد.

اغر الحکم، ۱۸۷۷ع

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول و سرپرست: حامد رحیم پور
دفترمعاون: شهید، بابلور شهید صادقی (سازمان آب)
کد پستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۱
تلفن: ۳۷۰۰۰۰۰۰
نمابرینخانه: ۳۷۶۴۴۳۹۵
پخشراشگاهي: ۳۷۰۱۰

روابطعمومي: ۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابرگاهيهما: ۳۷۶۵۷۷۷۲
نمابرگاهيها: ۳۷۶۱۲۰۳۵
تلفن امورمشترکين: ۳۷۰۰۹۷۷۷
دفتر تهران: خيابان توابير، خيابان نظامي گنجوي
کوچه ناردارن، پلاک ۲۳
تلفن وفاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹

www.khorasanonline.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آمين نامه اخلاق حرفه‌اي
روزنامه خراسان يا در سايت بخوابيد

سامانه ثبت آگهي آنلاین خراسان :
www.khorasananet.ir

چاپمشهد: شهرچاپخراسان | چاپتهران: چاپخانه جام جم برتر برنا

ورودکی‌یف به تقابل مستقیم باتهران، پازل فشارهمزمان ازشمال، غرب وجنوب راتکمیل می‌کند

گسترش حلقه فشار

سلیمانی- حمله او کراین به یک شناور ایرانی در خزر، صرفا عملیاتی علیه یک کشتی نیست. اگر پذیرش مسئولیت کی‌یف قطعی باشد، این حادثه نخستین رویارویی مستقیم او کراین با هدفی ایرانی از آغاز جنگ با روسیه و عبور نبرد از یکی از مرزهای تثبیت شده اوراسیاست. پرسش مهم‌تر، چرایی تصمیم او کراین برای کشاندن جنگ به محیط امنیتی ایران است.

حمله او کراین در خزر بار اهربد آمریکاو اسرائیل برای جلوگیری از تمرکز قدرت رقیب هم‌راسناست. نسبت دادن عملیات به واشنگتن یا تل‌آویو بدون سند، شتاب‌ده است؛ اما جبهه شمالی به سود بازیگرانی است که در جنوب و غرب با ایران تقابل دارند. او کراین برای زدن مسیرهای ادعایی پشتیبانی روسیه انگیزه مستقل دارد، ولی اقدامش حلقه فشار بر ایران را کامل‌تر می‌کند. این هم‌پوشانی منافع، حتی بدون فرماندهی مشترک، دوپرونده را به هم متصل می‌کند.

ادعاهای زلنسکی درباره همکاری اطلاعاتی تهران و مسکو نیز به ساختن همین پیوند سیاسی کمک می‌کند. تثبیت این چارچوب یعنی هر تحول در جبهه او کراین می‌تواند بر امنیت ایران اثر بگذارد و تنش خلیج فارس را نیز به محاسبات جنگ روسیه سرریز کند.

حاصل، هم‌پوشانی دو بحران و افزایش احتمال خطای محاسباتی است؛ وضعیتی که بازار انرژی، کشتیرانی و روابط منطقه‌ای را نیز متأثر خواهد کرد.

کریدور بین‌المللی شمال-جنوب نیز در مرکز این معادله قرار دارد. خزر حلقه اتصال ایران و روسیه و بخشی از مسیری است که هند را به بازارهای شمالی پیوند می‌دهد. ناامن شدن آن، هزینه بیمه و حمل و نقل را بالا می‌برد،

نقشه‌کشی دوباره شیاطین درواشنگتن

ارزیابی‌های مختلف از امکان ارائه طرح جدید نتانیا هو برای ازسرگیری جنگ با ایران در سفراو به واشنگتن حکایت دارد؛ این طرح جدید می‌تواند شامل چه مواردی باشد؟



از ظرفیت پایگاه‌های سنتکام در منطقه را ندارند. موضوعی که سرزمین‌های اشغالی را به تنها مکان نسبتاً امن (با توجه به فاصله بیشتر از ایران و زمان بیشتر برای فعالیت پدافند) در منطقه تبدیل کرده است. طبعاً ظرفیت مورد نیاز در دور جدید درگیری‌ها با افزایش استفاده از ظرفیت بمب افکن‌های راهبردی مثل B1 و B2 در دستور کار ارتش آمریکا خواهد بود و ظرفیت پشتیبانی نیز از پایگاه‌های کشورهای اروپایی مخصوصاً پایگاه‌های انگلستان در خاک این کشور و دیگوارسیا انجام خواهد شد. مخصوصاً که اندی برنهام نخست‌وزیر جدید انگلستان نسبت به استارمر مواضع رادیکال‌تری نسبت به ایران دارد و با طبع میل بیشتری برای همکاری با آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها دارد. در همین پازل اصلا بعید نیست که حمله اخیر او کراین به کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر نیز با خط‌دهی مستقیم بریتانیا و با هدف ایجاد روزنه‌ای برای ورود ناتو به جنگ با ایران انجام شده باشد.

دلیل این دیدار به عنوان یک جلسه اتاق جنگ از سوی طرف ایرانی ارزیابی می‌شود.

دشمن به دنبال عنصر غافلگیری

موضوع بسیار مهم دیگری که می‌تواند جالب توجه باشد تولید یک موج رسانه‌ای از سوی رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی به صورت همزمان است. این رسانه‌ها مدعی شدند از فرودگاه بن گوریون به فرودگاه نظامی نوتایم و تاخیر چند ساعته در شروع پرواز نتانیا هو بود. موضوعی که گفته می‌شود مرتبط با رهگیری پهبادها در حرم هوایی کشور اردن بوده است. نتانیا هو پیش از شروع این سفر روی پله‌های هوایماترامپ را دوست خود نامید و با بیان این که این هشتمین ملاقات من با او از زمان انتخابش به عنوان رئیس‌جمهور آمریکاست، بیشتر از هر رهبر بین‌المللی دیگر به سر فصل‌های مورد بحث در دیدار خود باترامپ اشاره کرد و گفت: ما در مورد تمام موضوعات به ویژه موضوع ایران، گفت‌وگو خواهیم کرد.

تله اختلاف میان نتانیا هو و ترامپ

همان‌طور که خود نتانیا هو هم‌بدان اشاره کرده مهم‌ترین موضوع مورد بحث ترامپ و نتانیا هو جنگ با ایران خواهد بود هر چند که بعید است در این دیدار درباره آخرین تحولات منطقه‌ای از جمله دریای سرخ و حملات به کشتی در باب‌المندوب موضوعاتی مثل لبنان و غزه صحبت نشود. یکی از موضوعات مهم در چند هفته اخیر ادعای برخی رسانه‌های غربی مبنی بر اختلافات میان نتانیا هو و ترامپ بوده است که به نظر می‌رسد چیزی به جز یک موج سازی رسانه‌ای تاکتیکی نبوده است و شاید در مواردی مثل جزئیات و زمان بندی‌ها در باره باز سرگیری جنگ با ایران اختلاف نظرهایی میان طرفین وجود داشته باشد اما تقریباً غیر ممکن است که در مسائل کلان همسویی لازم میان ترامپ و نتانیا هو وجود نداشته باشد و به همین



صابر گل‌عنبری
info@khorasannews.com

دوراهی جنگ و توافق!

دوروز است که حملات آمریکا و به تبع آن، حملات ایران در منطقه متوقف شده یا به عبارتی به حالت تعلیق درآمده است. درباره چرایی این توقف، رسانه‌های آمریکایی روایت‌های متفاوتی مطرح کرده‌اند. آکسیوس آن را به مذاکرات هیئت عمانی در تهران درباره تنگه هرمز ربط داده و در مقابل، نیویورک تایمز از هشدار مشاوران ارشد ترامپ درباره کاهش ذخایر تسلیحات رهگیر آمریکا به عنوان عامل اصلی نام برده است.

صرف نظر از صحت و سقم هر کدام، سفر هیئت عمانی به تهران به احتمال زیاد بدون هماهنگی یا چراغ سبز واشنگتن انجام نشده، اما بعید به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور آمریکا صرفاً در انتظار نتیجه گفت‌وگوهای تهران و مسقط درباره تنگه هرمز حملات را متوقف کرده باشد.

واقعیت آن است که در شرایط فعلی، عدول ایران از مدیریت تنگه هرمز نامحتمل است. از همین رو، بعید است چنین مذاکراتی فعلاً نتیجه‌ای مطابق انتظار آمریکا داشته باشد. از این منظر، توقف حملات آمریکا را بیش از هر چیزی می‌توان ناشی از نوعی تردید راهبردی در دولت ترامپ دانست که ریشه در فقدان یک نقشه روشن برای خروج از جنگ کنونی با دستاوردهای راهبردی دارد.

به بیان دیگر، واشنگتن ظاهراً وارد وضعیتی شده که در آن نه تداوم الگوی کنونی درگیری پاسخ‌گوست و نه تصمیم برای جهش به مرحله‌ای تازه، بدون هزینه و مخاطره است. به همین دلیل، ترامپ اکنون میان دو گزینه به شدت مردد است: گسترش بی‌سابقه جنگ یا بازگشت به مسیر توافق.

الگوی فعلی فشار، یعنی حملات محدود شبانه، محاصر و امید بستن به فرسایشی‌تر شدن وضعیت برای ایران، باتوجه به زمان بر بودن نتایج آن و عجله ترامپ برای بازگشایی تنگه هرمز و اولویت‌های داخلی او «کارآمدی زودباز دهی» ندارد. احتمالاً ترامپ ابتدا تصور می‌کرد که از این طریق می‌توان ایران را ناچار به بازگشت به میز مذاکره و پذیرش توافقی مطلوب آمریکا کرد. اما بسته شدن تنگه هرمز و تبعات اقتصادی، امنیتی و روانی آن و همچنین گسترش تنش به باب‌المندوب، عملاً نشان داده که ادامه این وضعیت نه تنها لزوماً ایران را وارد به عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه می‌تواند هزینه‌های بحران را به دیگر مناطق راهبردی نیز تسری داده و افزایش دهد.

در نتیجه، اکنون ترامپ در مواجهه با این بن‌بست یا باید جنگ را به سطحی بی‌سابقه گسترش دهد، یا به مسیر تفاهم و مذاکره بازگردد. اما دشواری کار در آن است که هیچ‌یک از این دو انتخاب، راحل کم هزینه و مطمئنتی نیست.

گزینه جنگ همه‌جانبه، اگر چه آسیب‌های سنگین و جبران‌ناپذیری به زیرساخت‌های اقتصادی ایران وارد می‌کند، اما لزوماً به معنای بازگشت امنیت به تنگه هرمز و آب‌های منطقه نیست. علت هم آن است که کنترل بر این آبراه، صرفاً به حضور نظامی ایران در سواحل جنوبی اش محدود نمی‌شود، بلکه بتواند موشکی و پهپادی آن در عمق یک جغرافیای وسیع گره خورده است. حتی اگر آمریکا بتواند توان ایران را در نوار ساحلی به شدت تضعیف کند، باز هم ظرفیت شلیک از عمق جغرافیای ایران باقی می‌ماند که می‌تواند بازگشت سریع و پایدار امنیت به تنگه هرمز را باتردید جدی مواجه کند.

به همین دلیل از نگاه برخی ناظران آمریکایی، حتی اشغال نوار ساحلی ایران و کنترل زمینی تنگه هرمز نیز تضمین‌کننده امنیت کشتیرانی نخواهد بود، زیرا امکان هدف‌گیری این منطقه از دیگر نقاط کشور همچنان باقی می‌ماند. در چنین سناریویی، آمریکا نه تنها به هدف اصلی خود یعنی برقراری امنیت دریانوردی نمی‌رسد، بلکه ممکن است درگیریک اشغال فرسایشی و پرهزینه نیز شود که رئیس‌جمهور آمریکا آمادگی مواجهه با این وضعیت را ندارد.

افزون بر این، ورود به جنگ تمام‌عیار ممکن است به نابودی مراکز تولید و صادرات انرژی در کل منطقه بینجامد و جهان را با ابربحران انرژی برای چند دهه مواجه سازد. با این حال بعید نیست که پلان ترامپ بمباران گسترده زیرساخت‌ها یا هدف‌بی‌ثبات‌سازی سریع اجتماعی باشد.

در مقابل هم، بازگشت به تفاهم‌نامه و مسیر دیپلماسی نیز در دسر خاص خود دارد. همان چند روزی که تفاهم برقرار بود، تجربه تلخی برای ترامپ رقم زد. نه «ماگا» از آن استقبال کرد و نه مخالفانش فرصت را برای حمله شدید سیاسی از دست دادند. فشار لابی‌های اسرائیل نیز هزینه چنین تصمیمی را بالاتر برد.

در صورت بازگشت به مسیر تفاهم هم، ترامپ در سایه مواضع تهران به سختی می‌تواند دستاوردی روشن در حوزه هسته‌ای و تنگه هرمز به عنوان یک موفقیت برجسته به افکار عمومی و جریان‌های سیاسی داخلی عرضه کند.

این وضعیت در مقابل اعطای امتیازهای مهم به ایران در حوزه تحریم‌های نفتی یا پذیرش مدیریت تهران در تنگه هرمز، بازگشت به توافق را نیز برای ترامپ به انتخابی پرهزینه تبدیل می‌کند.

حالا باید دید که وی میان این دو انتخاب دشوار و پریپامد به ویژه پس از دیدار با نتانیا هو کدام‌ام را انتخاب می‌کند. فعلاً بعید است جنگ تمام‌شود.